

# توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده

(چهارچوب نظری، استراتژیهای توسعه)

سیداسکندر صیدایی\*

## چکیده

جامعه عشایری کشور، یکی از سه جامعه شهری-روستایی و عشایر می باشد که دارای ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی و شیوه معیشتی خاص خود بوده و همواره به عنوان جامعه ای مولد، کم هزینه و توانمند، مطرح بوده است. عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی بخصوص در پنجاه سال اخیر موجب دگرگونیهایی در زندگی این جامعه شده است. با توجه به اهداف و سیاستها و برنامه ریزیهای دولت در راستای توسعه کشور - بخصوص دیدگاه عدالت اجتماعی و تعادل منطقه ای - توجه به جامعه عشایری کشور و اتخاذ تدابیر لازم برای توسعه پایدار این جامعه از ضروریات می باشد. در این مقاله تلاش شده است دو

مبحث بسیار اساسی توسعه پایدار جامعه عشایری یعنی چهارچوب نظری و استراتژیهای توسعه تشریح و تحلیل گردد. نتایج این بررسی، راه بردهایی برای دولتمردان، برنامه‌ریزان، محققان و مجریان مرتبط با جامعه عشایری و برای انتخاب استراتژی توسعه پایدار آتی خواهد بود. این نوشته با استفاده از روش اسنادی، تحلیلی و تطبیقی انجام گرفته است.

## واژه‌های کلیدی

توسعه پایدار، چهارچوب نظری، استراتژی توسعه، جامعه عشایری، اسکان، ساماندهی، کشتزارهای دامی، قلمروهای ایلی

## مقدمه

زندگی کوچ‌نشینی یکی از انواع انتخابهای انسان در دوران تاریخی حیات شمرده می‌شود. زندگی بشر بعد از انقلاب نوسنگی (حدود ۱۲ هزار سال پیش) و دسترسی به دو منبع مهم تغذیه یعنی نباتات و حیوانات، تحول و تکامل چشمگیری یافته است. بشر با اهلی کردن حیوانات، به شیوه جابه‌جایی برای استفاده دامها از مراتع دست یافت. این شیوه در ایران سابقه‌ای حدود ۸ هزار سال دارد. (۱) به دلیل تنوع شرایط طبیعی، اقلیمی، وجود مراتع غنی در دامنه رشته کوه‌های مهم، منابع عظیم آب و ... از دیر باز، ایران قلمرو بسیار مناسبی برای کوچ ایلها و قبیله‌های کشور محسوب می‌شد؛ چنان‌که تاریخ کشور، شاهد حضور فعال و گسترده ایلها و قبیله‌ها در سرنوشت خود تا قبل از سالهای ۱۳۰۰ ه. ش بوده است و در برهه‌هایی از زمان حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور را ایلها و عشیره‌ها تشکیل می‌داده‌اند، که در پهنه جغرافیایی کشور به زندگی خود ادامه می‌داده‌اند. براساس نتایج آخرین سرشماری مرکز آمار ایران در کشور ۱۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه و ۱۸۰۲۲۳ خانوار با جمعیت ۱۱۵۲۰۹۹ نفر در ۲ فضای کشور پراکنده‌اند. (۲)

## بحث

جامعه عشایری کشور که یکی از سه جامعه شهری، روستایی و عشایری است از حیث اقتصادی، معیشتی، فرهنگی و اجتماعی دارای وجوه تمایز نسبت به سایر جوامع است. ایلها و عشایر کوچنده، از دیرباز در قلمروهای مختلف جغرافیایی کشور به زندگی پرداخته و با انتخاب شیوه دامداری سنتی و کوچ در قلمروهای گرمسیری و سردسیر کشور، بخوبی با

طبیعت سازش یافته و از شرایط مساعد طبیعی آن مناطق به بهترین وجه بهره مند شده‌اند. با گذشت زمان، تحولات سیاسی، اقتصادی، صنعتی و شهرنشینی بر این نوع زندگی تأثیر گذاشته و به مرور زمان در جامعه کوچنده که جامعه‌ای است مولد، خودکفا و دارای ویژگیهای قومی و عشیره‌ای مبتنی بر پیوندهای خویشاوندی، دگرگونی‌هایی ایجاد کرده است و سنتهای این نوع جامعه را به سوی شیوه‌های دیگر زندگی گرایش داده است؛ چنان که این جامعه هم اکنون در یک مرحله تکامل تاریخی، در حال گذر از معیشت دامداری سنتی به گونه‌های دیگر معیشت است. با توجه به محدودیتهای مختلفی که هم اکنون برای تداوم زندگی کوچندگان پیش آمده است، آنان را به ترک کوچ‌نشینی و روی آوردن به شهرها واداشته تا به کارگری و کارهای خدماتی و خرید و فروش و دلالتی روی آورند و از آنجا که برنامه‌ریزان و مدیران جامعه عشایری، این جامعه را قسمتی از پیکره ملی کشور و ساماندهی مناسب آن را لازمه کار خود می‌دانند، توسعه همه جانبه جامعه عشایر کشور و انتخاب استراتژی توسعه پایدار برای این جامعه پویا و در حال تحول از ضروریات برنامه‌ریزی جامع توسعه در کشور است. بنابر این در این مقاله، اساسی‌ترین مباحث مربوط به توسعه، یعنی استراتژی توسعه پایدار و چهارچوب نظری توسعه جامعه عشایر کشور مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در اینجا نخست ارائه یک تعریف جامع از توسعه پایدار جامعه عشایری ضروری به نظر می‌رسد که می‌توان گفت:

توسعه پایدار جامعه عشایری، مجموعه تدابیری است که متضمن رشد کمی و کیفی جامعه عشایری، همراه با هدفمندی دقیق و آینده‌نگری و پیوند منطقی با توسعه کلان کشور باشد و مشارکت و پذیرش عشایر و درآمدزایی و اشتغال و رفع نیازهای اساسی جامعه را شامل گردد و در آن استفاده منطقی از منابع و امکانات منطقه‌ای و انسجام اکولوژیکی نیز مورد توجه قرار گیرد.

برای پیش‌بینی توسعه پایدار مناطق عشایری کشور، توجه به عواملی که از عناصر شکل دهنده جامعه عشایری است از یک طرف و توجه به توانمندیهای محیطی مناطق عشایری و عناصر مؤثر در گرایشهای جامعه عشایری (درآمدزایی، اشتغال، دسترسی به امکانات و خدمات و ...) از طرف دیگر ضروری است. به عبارتی می‌توان گفت: توسعه پایدار در جامعه عشایری زمانی میسر می‌شود که به مجموعه عوامل مؤثر در زندگی عشایری و جایگاه جامعه

عشایری توجه داشت و هدفها و سیاستهای برنامه توسعه کشور، گرایشهای عشایر کوچنده، توانمندیهای طبیعی و محیطی مناطق، زندگی برخوردار از امکانات، خدمات و درآمد برای خانوارها مد نظر قرار گیرد.

بنابر این، چهارچوب نظری توسعه پایدار مناطق عشایری کشور را با توجه به چند مطلب زیر بهتر می‌توان مورد بررسی قرار داد:

- ۱- درک ضرورت تحول در وضعیت کنونی جامعه؛
- ۲- تجربه‌های بسیار ارزنده عشایر کوچنده در شیوه دآمداری و تأثیر آن در ترسیم افق آینده؛
- ۳- توانمندیهای محیطی و نقش آن در توسعه پایدار مناطق عشایری؛
- ۴- درآمدزایی و اشتغال و تأثیر آن بر توسعه پایدار جامعه عشایری؛
- ۵- تخصیص منابع مالی و اعتباری و اهمیت آن در آینده جامعه عشایری؛
- ۶- سازمانهای اجرایی و نقش آنها در ساختار آینده جامعه؛
- ۷- گرایشها و تمایلات عشایر کوچنده و اثر آن بر افق آینده جامعه؛
- ۸- برنامه‌های توسعه بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت دولت و تأثیر آنها بر وضعیت آینده جامعه.

### درک ضرورت تحول در وضعیت کنونی جامعه عشایری کشور

زندگی کوچ‌نشینی بر سه پایه اصلی انسان، دام و مرتع استوار است، در چند دهه اخیر مراتع کشور بشدت تخریب شد و با نادیده گرفتن تدابیر مردمی بعد از سالهای ۱۳۴۰، نه تنها چاره‌ای برای احیای مراتع نیندیشیدند، بلکه حفاظت از آنها نیز با اداره امور به دست دولت سرانجامی نداشت و اصل اساسی تعادل دام و مرتع، نه تنها مورد توجه قرار نگرفت، بلکه مراتع کشور شدت روند تخریبی خود را در پیش گرفت؛ به گونه‌ای که اکنون هم در مناطق مختلف کشور بین ۴ تا ۷ برابر ظرفیت موجود مراتع مورد استفاده قرار می‌گیرد و این امر موجب گردیده است که عشایر کوچنده کشور مجبور باشند حدود ۱۰۰ روز از سال دام خود را با خرید علوفه دستی تغذیه کنند (۳) که هزینه این نوع تغذیه در بین ایلها و طایفه‌ها از ۳۰ تا ۷۰ درصد کل هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص می‌دهد، و از طرفی محدودیتهای مراتع موجب می‌گردد که کوچندگان نتوانند تعداد بیشتری از دام را

نگهداری کنند و در نتیجه این زندگی که مبتنی بر دامداری سنتی است با مشکل روبه‌رو می‌گردد.

محدودیت‌های دیگر مانند تغییر کاربری مراتع و تبدیل مراتع به زمینهای کشاورزی و به وجود آمدن روستاهای متعدد در قلمروها و ایل راههای عشایری، مشکلاتی را برای این شیوه معیشت به وجود آورده است. علاوه بر این محدودیتها، مسایل دیگری همچون مشکلات کوچ، دسترسی نداشتن به خدمات ضروری و اولیه مانند آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، برق و مخابرات و مشکلات اقتصادی دیگر، این کوچندگان عموماً تمایلی به کوچ نمودن و زندگی عشایری نخواهند داشت. مشکلات اقتصادی به گونه‌ای است که در بسیاری از ایلات و عشایر وقتی بدقت موضوع درآمد و هزینه خانوار مورد بررسی قرار می‌گیرد، توجیه اقتصادی بر تداوم زندگی وجود نخواهد داشت (۴) و امروزه یکی از شرایط پویایی و تداوم یک شیوه معیشت، برخورداری از شاخصهای مهمی همچون درآمدها، هزینه‌ها، تمایلات اجتماعی، آموزش، بهداشت و درمان، مسکن، انرژی و... خواهد بود و در صورتی یک شیوه زندگی می‌تواند تداوم داشته باشد که از حیث شاخصهای ذکر شده در یک حد قابل قبول باشد. اکنون اگر زندگی کوچ‌نشینی را که نوعی سازش اولیه انسان با طبیعت است بررسی کنیم، می‌بینیم که به دلیل همین محدودیتها و مشکلات، زندگی کوچ‌نشینی در یک جهش غیر منطقی به زندگی شهری تبدیل می‌گردد. این موضوع در نظرخواهی که از ایلها و طایفه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته، حاکی از گرایش زیاد خانوارها به اسکان می‌باشد. به عنوان نمونه طوایف دره شوری، فارسیمدان، شش بلوکی، عمله و کشکولی از ایل قشقایی، ۸۸ درصد تمایل به اسکان داشته (۵) و از طوایف بزرگ هفت لنگ و چهارلنگ نیز ۸۵ درصد تمایل به اسکان داشته‌اند.

### تجربه‌های بسیار ارزنده عشایر کوچنده در شیوه

### دامداری و تأثیر آن در نوآوری و دامداری صنعتی

سابقه کوچندگی در ایران به حدود ۸ هزار سال می‌رسد. اساس این نوع زندگی بر دامداری سنتی است. بسیاری از تجربیات دامداری به صورت انتقال از نسلی به نسل دیگر، به کوچندگان کنونی رسیده است. این تجربیات در تمام زمینه‌ها اعم از شناخت نوع دام، چگونگی نگهداری، وضعیت تغذیه، زایش دام و استفاده بهینه از دام و فرآورده‌های دامی،

چگونگی تولید و تبدیل فرآورده‌های دامی به انواع مختلف و ... می‌باشد. این گونه تجربیات حتی به صورت سنتی خود نیز می‌تواند بسیار مفید و مؤثر واقع گردد. از طرف دیگر کوچندگان کشور در امور دیگر دارای تجربه نیستند و در بررسیها و مشاهدات میدانی که از مناطق عشایری کشور انجام گرفت، کوچندگان به اشتغالات دامداری و انواع غیر سنتی آن مثل مجتمعهای دامداری و دامپروری علاقه نشان داده و آن را نسبت به سایر اشتغالات ترجیح می‌دادند. تعدادی از خانوارهای کوچنده عشایر که به روستاها و شهرها برای یافتن کار مهاجرت کرده‌اند، عموماً به کارهای خدماتی و ساختمانی، اشتغال ورزیده‌اند. پس با توجه به سوابق و تجربیات بسیار خوب کوچندگان در زمینه دامداری می‌توان گفت در صورتی که اشتغالات پیشنهادی برای آینده آنان دامداری باشد - آن هم نه از نوع دامداری سنتی مبتنی بر کوچ - انگیزه فراگیری و نوآوری در آنان وجود خواهد داشت. بنابر این می‌تواند با توجه به تجربیات خود در کارشان موفق‌تر باشند، به عبارت دیگر می‌توان گفت تجربیات ممتد کوچ‌نشینان در امور دامداری سنتی، می‌تواند زمینه مناسبی برای اشتغال به دامداری صنعتی و مجتمعهای دامداری و دامپروری باشد.

### توانمندیهای محیطی و نقش آن در توسعه پایدار مناطق عشایری

چهارچوب و استراتژی پیشنهادی توسعه برای مناطق مختلف عشایری کشور به‌طور کامل باید مطابق با استعدادهای بالقوه و بالفعل منطقه پیشنهاد شود. به عبارت دیگر استعدادهای و توانمندیهای محیطی (آب، خاک، مراتع، جنگل، معادن، اقلیم و ...) نقش تعیین کننده‌ای در نوع استراتژی پیشنهادی برای منطقه خواهد داشت، برای مثال: وقتی منطقه‌ای دارای توانمندی آشکار و برجسته‌ای در زمینه آب، خاک، پوشش گیاهی و موارد دیگر داشته باشد، برنامه‌ریزی منطقی ایجاب می‌کند که استعداد برجسته منطقه بدقت از نظر کیفی و کمی شناخته شود و چاره‌جویی لازم برای بهره‌برداری از توانمندیهای اشاره شده برای توسعه منطقه انجام گیرد. مناطق کوچ‌نشین کشور از حیث پراکندگی جغرافیایی به گونه‌ای هستند که تقریباً ۱/۳ مساحت جغرافیایی کشور را به خود اختصاص داده‌اند. تنوع مکانی و قلمرو جغرافیایی مناطق زیستی عشایر، دارای توانمندیهای طبیعی و استعدادهای مختلف است.

بسیاری از حوزه‌های آبخیز، مراتع، جنگلها، دشتها و اراضی مساعد کشاورزی کشور در قلمرو زیستی عشایر قرار دارند و از آنجا که شیوه زندگی کوچندگان دامداری سنتی است و

بهره‌برداری و تلفیق منابع مختلف با یکدیگر و استفاده از تکنولوژی چندان رایج نبوده است؛ بسیاری از استعداد های برجسته که می‌توانسته درآمد آور و اشتغال‌زا باشد و با استفاده از تکنولوژی و به کمک علوم و فنون امروزی تحولی چشمگیر در منطقه به وجود آورد؛ مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. این استعدادها می‌توانند زمینه‌های لازم را برای روی آوردن به انواع بهره‌وریها همانند کشاورزی، دامداری، صنایع تبدیلی و ... فراهم نمایند. البته تنوع فضاهای جغرافیایی مناطق عشایری مانع از آن است که بتوان یک یا چند روش یکسان را پیشنهاد کرد، ولی با توجه به توانمندیهای برجسته هر منطقه و امکان تلفیق آن با سایر زمینه‌ها می‌توان بهره‌برداری از استعداد های مناطق را از جهت کمی و کیفی بالا برد و تحولی در مناطق عشایری به وجود آورد که امکان گرایش به دیگر شیوه‌های زندگی را تأمین کرده و استفاده صرف سنتی از منطقه را نادیده انگاشت.

### درآمد زایی و اشتغال و تأثیر آن بر توسعه پایدار جامعه عشایری

اشتغال و درآمد زایی از شرایط مهم تداوم زندگی در همه جوامع محسوب می‌گردد. خانوارها در صورتی می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند که در زمینه اقتصادی درآمد مناسب و معقولی در مقایسه با دیگر مشاغل داشته باشند. اگر چه حسابگری منطقی در همه امور از خصایص زندگی انسانی بوده، ولی امروزه اهمیت بیشتری پیدا کرده است به طوری که انسان شیوه‌های جدیدتر زندگی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و اگر توجیه اقتصادی لازم در مقایسه با دیگر اشتغالها داشته باشد، به همان طرف کشیده می‌شود. در بررسی وضعیت درآمد و هزینه خانوارهای عشایر و در نهایت میزان درآمد خالص سالیانه خانوارهای عشایر به نتایجی می‌رسیم که می‌توان گفت: بسیاری از خانوارهای عشایری که شیوه کوچ‌نشینی سنتی را یک سو نهاده و به شهرها مهاجرت کرده‌اند، همواره نداشتن درآمد مناسب را دلیل عمده مهاجرت به شهرها و ترک کوچ‌نشینی دانسته‌اند. همچنین گرایش کوچندگان به کارهای خدماتی و کارگری در شهرها بیشتر به دلیل درآمد زایی این گونه کارها در مقایسه با دامداری سنتی می‌باشد. بنابر این با توجه به تأثیر تعیین کننده‌ای که اشتغال و درآمد زایی می‌تواند در انتخاب و یا تداوم شیوه زندگی داشته باشد، در ترسیم افق آینده زندگی عشایر باید همین دو مورد را از محورهای تعیین کننده قرار دهیم، زیرا بدون شک آن شیوه از زندگی دارای پویایی و تداوم است که از جهت درآمد زایی نسبت به دیگر مشاغل برتر و مناسبتر

باشد. پیشنهاد هر نوع برنامه پایدار توسعه زندگی عشایر و یا هر یک از طوایف، نخست باید متناسب و همسو با موضوع درآمد و توجیه اقتصادی باشد.

### تخصیص منابع مالی و اعتباری و اهمیت آن در آینده جامعه عشایری

منابع مالی اعم از اعتبارات دولتی، سرمایه گذاری بانکها و بخش خصوصی در شکوفایی استعدادهای مناطق اثر تعیین کننده ای دارد، به گونه ای که می توان آن را یکی از پایه های اساسی توسعه در هر منطقه به حساب آورد. مناطق عشایری کشور توسعه و تحول اساسی خود را بعد از سال ۱۳۷۲ آغاز کرده اند، زیرا قبل از آن تاریخ دیدگاههای کاملاً روشنی درباره توسعه آتی زندگی عشایر وجود نداشته و سرمایه گذاریهای دستگاههای متولی امور عشایر در کشور، بیشتر به ارائه خدمات و پشتیبانیهای رفع اضطرار و ضرورتهای زندگی کوچ نشینی مربوط می شد. از سال ۱۳۷۲ ضرورت توسعه و تحول همه جانبه مناطق عشایری کشور مطرح گردید و به همین جهت اعتباراتی برای مطالعات جامع و تفصیلی اختصاص داده شد تا با انجام شدن آن چگونگی توسعه آتی منطقه مشخص و بر آن اساس برنامه ریزی گردد. به همین دلیل بعد از مطالعات مختلف در چند سال اخیر، اعتبارات اجرایی برای اسکان عشایر علاقه مند در قلمروهای مستعد ایللی اختصاص داده شد. از آن جایی که سرمایه گذاری برای توسعه مناطق عشایری چند سالی بیش سابقه ندارد و نیاز شدید عشایر ایجاب می کند که سرمایه گذاریها کلان باشد تا برنامه های توسعه مناطق عشایری بهتر به تحقق برسد و از طرفی چون بخش خصوصی تمایلی برای سرمایه گذاری در مناطق عشایری نشان نمی دهد و خود عشایر هم که سرمایه ای جز دامهایشان ندارند و توان سرمایه گذاری در خود نمی بینند، در نتیجه موضوع کلان بودن سرمایه ها و اعتبارات می تواند نقش تعیین کننده ای در چگونگی توسعه مناطق عشایری داشته باشد. به عبارتی پیشنهاد هر نوع برنامه برای توسعه آتی قلمروهای ایللی کشور باید مناسب و موازی میزان اعتبار و سرمایه گذاری آن باشد.

### سازمانهای اجرایی و نقش آنها در توسعه جامعه عشایری

هدفها، سیاستها، نوع، میزان و حجم عملکردهای پیشنهاد شده به هر دستگاه، سازماندهی اجرایی و پشتیبانی خاصی را می طلبد. بنابر این هدف یک دستگاه اجرایی صرفاً



خدماتی در نوع پشتیبانی و کیفیت نیروی انسانی مورد نیاز، با سازمان اجرایی - که فقط وظایف عمرانی و تولیدی را به عهده دارد - کاملاً متفاوت و مختلف است.

توسعه همه جانبه مناطق عشایری که مبحثی بسیار بنیانی است و دارای ابعاد مختلف تخصصی، نخست به پژوهشگرانی دوراندیش نیاز دارد که آینده مطلوب را ترسیم نمایند و سپس به توسعه گرانی نیازمند است که برنامه‌های عمرانی را به اجرا درآورند و ایجاد کار و اشتغال کنند تا تداوم زندگی را موجب گردد. بنابر این مجموعه وسیعی از صاحبان اندیشه، متخصصان فنی و عمرانی و نیروهای پشتیبانی با همراهی و همگامی یکدیگر می‌توانند هدفها و برنامه‌های پیش‌بینی شده را به تحقق برسانند.

سازمان اجرایی با ترکیب نیروهای یاد شده می‌تواند نقش بسیار مهمی را در اجرای طرحها و برنامه‌های توسعه مناطق عشایری ایفا کند. نظر به این که برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور به بخشهای مختلف تقسیم می‌شود و هر دستگاه اجرایی عهده‌دار بخش خاصی است که اعتبارات مربوط به بخش خود را در اختیار می‌گیرد و در طول سال برنامه‌های خود را بر آن اساس به انجام می‌رساند، بنابر این همواره مشکلات متعددی در راه تحقق وظایف مختلف فرا روی دستگاه عهده‌دار امور عشایر (سازمان امور عشایر ایران) قرار دارد. به همین منظور با توجه به اهمیتی که توسعه آتی مناطق عشایری کشور می‌تواند داشته باشد، دستگاه اجرایی متناسب با تعدد وظایف و عملکردها را می‌طلبد. در صورتی که دستگاه اجرایی عهده‌دار امور عشایر از نظر توان کارشناسی و اجرایی متناسب با برنامه‌های آتی توسعه نباشد، سرانجام طرحها و برنامه‌ها با مشکلات اجرایی روبه‌رو خواهد شد و موفقیتی نخواهد داشت.

### گرایشها، نیازها و خواسته‌های عشایر کوچنده و تأثیر

### آن بر چهارچوب نظری توسعه مناطق عشایری کشور

هنگام ارزیابی میزان موفقیت برنامه‌های توسعه در مناطق مختلف، برای صاحبان اندیشه و برنامه‌ریزان و مجریان به تجربه اثبات شده است که برنامه‌هایی می‌توانند موفق باشند که علاوه بر اینکه روند برنامه‌ریزی را بخوبی طی کرده باشند؛ خواسته‌ها و نیازهای اقشاری را که برای آنها برنامه‌ریزی می‌شود و مقدار مشارکت آنها را در این برنامه‌ها بخوبی پیش‌بینی کرده باشد و امری مسلم است که جامعه عشایری کشور بشدت در حال تحوّل و دگرگونی

است و این دگرگونی برای کسانی که از بیرون به این جامعه نگاه می‌کنند و از نزدیک، امور روزمره جامعه را مورد بررسی قرار نمی‌دهند؛ قابل تشخیص نیست. بسیاری از طرحها و برنامه‌های مناطق عشایری به دلیل این که مشارکت و همراهی عشایر را نادیده انگاشته بودند، هرگز به توفیقی دست نیافتند. بنابر این طرحها و برنامه‌هایی می‌توانند در مناطق عشایری به موفقیت برسند که مشارکت و همراهی عشایر را با خود داشته باشند.

هنگام بررسی گرایش و نیاز عشایر کوچنده باید به این نکته اساسی توجه کرد که برای تمام مناطق عشایری کشور با همه تنوع طبیعی، اجتماعی و فرهنگی که دارند؛ نمی‌توان سیاست واحدی را پیش‌بینی کرد، بلکه باید برای هر ایل و طایفه با توجه به مجموعه شرایط، برنامه‌ای خاص را در نظر گرفته و در تهیه برنامه برای هر یک از موارد فوق از صاحبان اندیشه و خبرگان عشایر استمداد کرد. و اگر زمینه کار فراهم باشد؛ باید مشارکت خبرگان عشایر را در برنامه‌های مربوط به خودشان همراه داشت، و از اندیشه‌ها و برنامه‌های آنان سود جست. در غیر این صورت طرحها و برنامه‌های پیش‌بینی شده با موفقیت فاصله خواهند داشت و اجرای آنها با مشکل روبه‌رو خواهند شد. نمونه بسیار روشن آن را می‌توان سیاستهای معروف به تخته قاپو در سال ۱۳۱۲ دانست که برنامه‌های آن با زور و اجبار نیروهای امنیه وقت به اجرا درآمد و پس از هشت سال؛ یعنی در سال ۱۳۲۰ با شکست روبه‌رو شد.

در این جا می‌توان چنین برداشت کرد که هر نوع توسعه‌ای که لازم است در آینده برای جامعه عشایری کشور و بالطبع در قلمرو هر ایل و طایفه‌ای پیش‌بینی و اجرا گردد، باید گرایشها و نیازهای عشایر را در نظر بگیرد. این گرایشها در زمینه‌های: کوچ یا اسکان، نوع اشتغال، مکان مناسب برای سکونت، سازگاری و یا عدم سازگاری با سایر طوایف و غیره خلاصه می‌شود.

### برنامه‌ریزیهای دولت و تأثیر آن بر وضعیت جامعه

برنامه‌ریزیهای دولت سندی است رسمی، که در آن هدفها، سیاستها و برنامه‌های اجرایی کلیه بخشها مشخص می‌گردد و دارای نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در افق آینده آن بخش، خواهد بود. به عبارت دیگر، چگونگی نگرش دولت به یک بخش در قالب برنامه‌ریزیهای کشور نمود پیدا می‌کند. جامعه عشایری کشور را اگر از این جنبه، یعنی

چگونگی برخورد دولتها و پیش‌بینی نحوه نگرش در برنامه‌ریزیهای کشور، چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهیم؛ به این نتیجه کلی خواهیم رسید که تا قبل از انقلاب اسلامی، این جامعه در برنامه‌ریزیهای عمرانی اول تا پنجم کشور به عمد به فراموشی سپرده شده بود. در برنامه‌های توسعه اول جمهوری اسلامی ایران به دلیل روشن نبودن نحوه برخورد با جامعه عشایری کشور، در کنار جامعه‌های دیگر اشاره‌هایی بسیار گذرا به آن شده است و در برنامه دوم اسکان هدایت شده برای عشایر متمایل به اسکان و ساماندهی کوچ، برای اقشاری که متمایل به کوچ بوده‌اند آورده شده است. (۶)

یکی از محورهای تعیین‌کننده در ترسیم افق آینده جامعه عشایری کشور، نحوه و چگونگی نگرش دولتمردان، برنامه‌ریزان و مدیران مسؤول جامعه عشایری کشور می‌باشد. به دلیل نادیده گرفتن این جامعه در برنامه‌ریزیهای قبلی توسعه، اختصاص ندادن بودجه لازم برای برنامه‌های عمرانی و یکسان نبودن نظریه‌های دولتمردان در خصوص کوچ و یا اسکان عشایر، این جامعه زیانهای جبران‌ناپذیری را به خود دیده است. بنابر این روشن بودن سیاست و نحوه برخورد دولتمردان با جامعه عشایری، می‌تواند در ساختن زیربنای جامعه بسیار مؤثر واقع گردد. خوشبختانه بعد از برگزاری سمینارهای علمی سالهای ۶۹ و ۷۱ دولت سیاست خود را نسبت به جامعه عشایری - هر چند کلی ولی روشن و آشکار - بیان نموده است، (۷) این سیاست دولت، برخوردی دوسویه با جامعه عشایری داشته است، یعنی تداوم کوچ‌نشینی برای کوچندگان و ساماندهی اسکان برای علاقه‌مندان به اسکان. با عنایت به این سیاست هر یک از دو حالت فوق می‌تواند، آینده‌ای روشن و مناسب با وضعیت عشایر داشته باشد.

با توجه به مجموعه عناصر شکل‌دهنده به توسعه پایدار آتی جامعه عشایری کشور، توسعه‌ای می‌تواند در جامعه عشایری کشور، در آینده پایدار باشد که در بردارنده همه شرایط یاد شده باشد. براساس آراء صاحب‌نظران، اندیشمندان و محققان (۸) (۹) توسعه جامعه عشایر کشور و براساس بررسیهای میدانی نگارنده مقاله از مناطق ایلی کشور، و با توجه به تنوع ویژگیهای هر یک از مناطق عشایری برنامه‌ها و پیشنهادهای زیر توصیه می‌شود:

- ۱- اسکان جامعه عشایری با پیشه دامداری در قلمروهای مستعد؛
- ۲- اسکان جامعه عشایری با اشتغال به کشاورزی در قلمروهای مستعد کشت و زرع؛

- ۳- اسکان جامعه عشایری با اشتغال به صنعت در قلمروهای مستعد کشت و زرع؛
- ۴- توسعه جامعه عشایر با تداوم شیوه کوچ در قلمروهای ایلی دارای توانمندی برجسته. نظر به اهمیت اساسی هر یک از شیوه‌های فوق به تحلیل و تبیین آنها پرداخته می‌شود:

#### (۱) توسعه جامعه عشایر با اسکان آنان در قلمروهای مستعد دامداری

یکی از برنامه‌های پیشنهاد شده برای توسعه جامعه عشایری کشور، اسکان عشایر با اشتغال به دامداری است، که با توجه به توانمندیهای قلمروهای ایلی و تمایل و گرایش عشایر به اسکان و تجربه‌های دراز مدتی که آنها در دامداری دارند، این پیشنهاد مطرح می‌شود. دامداری در این روش، با شیوه سنتی - که مبتنی بر کوچ بین سردسیر و گرمسیر است - بکلی تفاوت دارد. در این روش، دامداری به صورت مجتمعهای دامداری است که با اصول علمی مانند تغذیه دستی اداره می‌شود. به عبارت دیگر در این شیوه، عشایر سنت دامداری را که حرفه اصلی آنان بوده حفظ می‌کنند، ولی از کوچ بین ییلاق و قشلاق خودداری می‌نمایند و در مجتمعهای دامداری به تولید دام و تأمین درآمد می‌پردازند. و از آنجا که خانواده‌ها در حال کوچ به سر نمی‌برند، تأمین خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی و رفاهی برای آنان امکان‌پذیرتر است. درآمد اصلی خانوار در این شیوه از طریق دامهای نگهداری شونده در مجتمعهای دامداری تأمین می‌شود. در این شیوه عمده‌ترین هزینه، هزینه تأمین علوفه دستی است که خانوارها باید برای تغذیه دامشان بپردازند.

#### (۲) اسکان جامعه عشایری با اشتغال به کشاورزی در قلمروهای مستعد کشت و زرع

یکی دیگر از برنامه‌های پیشنهادی برای وضعیت آینده ایلات و طوایف کشور، توسعه جامعه عشایری با اسکان آنان در قلمروهای مستعد کشاورزی و اشتغال آنان به کشت و زرع است. در بسیاری از قلمروهای ایلی، اراضی مستعد کشاورزی در قالب دشتهای و دشتکها وجود دارد که در آنها دسترسی به آب از طرق انتقال ثقلی، کانالی، چاه عمیق و پمپاژ امکان‌پذیر است. از این اراضی در شیوه‌های کوچندگی سنتی، گاه به عنوان مرتع و گاه به عنوان اراضی دیمی کشاورزی استفاده می‌شود که می‌توان با استفاده از ابزار و وسایل صنعتی امکان تلفیق آب، خاک و اراضی مستعد کشاورزی را فراهم کرده، به کشاورزی پرداخت. به همین جهت بسیاری از صاحب نظران مسایل عشایری، روی آوردن کوچندگان به کشاورزی

را توصیه می‌کنند و می‌توان گفت که با توجه به سختکوشی کوچندگان، در صورت ترویج آموزش کشاورزی، تمهید اراضی و تأمین آب مورد نیاز، امکان درآمدزایی برای خانوارها وجود خواهد داشت. در این شیوه، منبع اصلی درآمد خانوارها تولید فرآورده‌های کشاورزی است.

لازم به توضیح است که اگر چه شغل اصلی عشایر، دامداری سنتی است؛ اما همواره این نوع زندگی چون بر محور خودکفایی، خود بسندگی و ارتباطات محدود در چرخش بوده، آنها را واداشته است که برای تأمین نیازهای زندگی خود به کشاورزی نیز بپردازند. حتی بعضی از ایلات دوران کوچندگی خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کنند که در منطقه سردسیری و گرمسیری کشت و زرع بخصوص از نوع دیم کاری داشته باشند. مطالعات نشان می‌دهد که در بیست سال اخیر، گرایش کوچندگان به کشاورزی نسبت به گذشته بیشتر شده است. بنابر این می‌توان گفت کشاورزی شغل دوم کوچندگان، پس از دامداری سنتی بوده است. در اسکان هدایت شده عشایر و پیشنهاد برای اشتغال به کشاورزی، امکان دسترسی به خدمات مختلف برای خانوارها فراهم است و با سیاستهای حمایتی و ترویجی اشتغال و درآمدزایی، این شیوه می‌تواند برای عشایر قانع کننده باشد.

### ۳) توسعه جامعه عشایری با اسکان آنان و اشتغال آنان به کارهای صنعتی

یکی دیگر از زمینه‌های پیشنهادی برای عشایر متمایل به اسکان، اشتغال به کارهای صنعتی است. زندگی کوچ‌نشینی و ضرورت تحرک و جابه‌جایی در فصول مختلف ایجاب نمی‌کرد که افراد ایل به صنایع روی آورند، به همین جهت بیشترین گرایش عشایر به صنایع دستی بوده است. امروزه بخصوص با توجه به گرایش عشایر کوچنده به اسکان به خاطر محدودیتهایی که بعضی از قلمروهای ایلی از نظر اراضی قابل کشت و منابع آبی دارند، امکان روی آوری به صنعت، می‌تواند کارگشا باشد. انواعی از صنایع، بخصوص صنایع تبدیلی و تکمیلی، زمینه‌های بیشتری برای شکل‌گیری در مناطق عشایری دارد. عده‌ای از صاحب‌نظران مسائل توسعه عشایری عقیده دارند که صنعت بخصوص، صنایع بزرگ «پارکهای صنعتی» (۱۰) می‌توانند بهترین انتخاب برای توسعه مناسب مناطق عشایری باشند و دیگر انواع برنامه‌های توسعه را برای مناطق عشایری چندان مناسب نمی‌دانند.

به عبارت دیگر می‌توان گفت: صنعت، بخصوص انواع مختلف آن، می‌تواند یکی از

برنامه‌های پیشنهادی برای مناطقی از قلمروهای ایلی باشد، بویژه در قلمروهایی از ایلات و طوایفی که استعداد کمتری در زمینه‌های کشاورزی و دامداری دارند.

صنعت، احتیاج به ساز و برگ خاص خود دارد؛ از جمله فراگیری فنون، تهیه ابزار، آماده ساختن زیر بناها. نسل جوان خانوارهای کوچنده در صورت حمایت‌های لازم، می‌توانند در صنعت موفق باشند.

#### ۴) توسعه جامعه عشایری با تداوم کوچ‌نشینی در قلمروهای ایلی دارای توانمندی برجسته

هر نوع پیشنهاد برای توسعه جامعه عشایری، باید استفاده از منابع و امکانات خدادادی را سرلوحه کار خود قرار دهد. بعضی از قلمروهای ایلات و طوایف، دارای مراتع غنی و کافی است و در این قلمروها می‌توان با حمایت از کوچندگان شرایط و تسهیلات زندگی را فراهم کرد، و به دلیل وجود همین مراتع، خانوارها می‌توانند به شیوه کوچ‌نشینی خود ادامه دهند و از مراتع طبیعی بخوبی استفاده نمایند و چون وجود مراتع طبیعی موجب می‌گردد که خانوارها، هزینه تغذیه دستی دام نداشته باشند، توجیه اقتصادی لازم برای تداوم این نوع زندگی وجود خواهد داشت. با توجه به تجارب موجود، عشایر در هر قلمروی که محدودیتی برای تداوم زندگی آنان وجود نداشته باشد؛ تمایل به فعالیت و گذران زندگی دارند. در این حالت، برای علاقه‌مندی بیشتر کوچندگان ضروری است که حمایت‌های لازم در خصوص رفع نیازهای زندگی آنان انجام گیرد. دسترسی به خدمات بسیار اساسی، همچون آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، مراکز فرهنگی، مراکز فروش کالاهای تولیدی آنان و ... می‌تواند در حمایت از این برنامه‌ها بسیار مؤثر واقع گردد. بسیاری از کوچندگان بخصوص در مناطقی که استعدادهای برجسته مراتع و آب و اراضی وجود داشته باشد و درآمدهای مناسبی بتوانند کسب کنند، علاقه‌مند به تداوم زندگی ایلی خود هستند.

این نکته را باید یادآوری کرد که با توجه به اتخاذ سیاست‌های متعدد، طی چهل سال اخیر و استفاده بی‌رویه از مراتع، قلمروهای ایلی که دارای استعداد برجسته‌ای برای تداوم کوچ‌نشینی باشند، بسیار محدودند. برای نمونه؛ می‌توان مراتع مناطقی همچون مغان، ماکو، دشت بکان در فارس و مناطقی در کرمان و لرستان و خوزستان را نام برد.

## تحلیل و جمع‌بندی نهایی

توفیق انجام بررسیهای میدانی که تقریباً در کلیه مناطق ایل نشین بین سالهای ۶۷ تاکنون برای نگارنده فراهم آمد، همچنین نشست‌های بین‌المللی و ملی که پیرامون توسعه زندگی عشایر از سال ۶۴ تاکنون در کشور انجام گرفت وفاق نظری را در خصوص ضرورت توسعه و تحول همه جانبه زندگی کوچ‌نشینان فراهم کرد. پراکندگی جغرافیایی عشایر در  $\frac{2}{3}$  فضای کشور و تعدد و تنوع توانمندیهای طبیعی، اقلیمی و گرایشهای مختلف کوچندگان موجب گردید که؛ نتوان سیاست واحدی را برای توسعه عشایر در کشور ارائه داد، بلکه برنامه توسعه هر منطقه ایلی، با توجه به توانمندیهای برجسته، گرایش کوچندگان و حمایت دستگاههای اجرایی آن منطقه قابل پیش‌بینی خواهد بود. همچنین عوامل شکل دهنده و مؤثر در چهارچوب توسعه پیشنهادی را در مسائلی همچون: ضرورت تحول در وضعیت فعلی جامعه عشایر، تجارب بسیار زیاد کوچندگان در دامداری سنتی، توانمندیهای محیطی برجسته، امکان درآمدزایی و اشتغال‌زایی، تخصیص منابع مالی، وضعیت سازمانهای اجرایی، گرایش و تمایل کنونی عشایر کوچنده می‌توان دانست. با توجه به عوامل فوق و مطالعات و بررسیهای متعددی که در چند سال اخیر از مناطق مختلف عشایر نشین کشور انجام گرفت و در این مطالعات گرایش و تمایل کوچندگان نسبت به تداوم کوچ‌نشینی و اسکان بررسی گردید، و همچنین توانمندیهای هر منطقه بدقت شناسایی شد و امکان تحول در مناطق مورد بررسی قرار گرفت، سیاستهای دولتمردان و برنامه‌های اول و دوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور جایگاه جامعه عشایری کشور و ضرورت برنامه‌ریزی همه جانبه برای آن را مشخص نموده است، برنامه‌های پیشنهادی را که با تمامی عوامل فوق همبستگی داشته باشد، می‌توان در چند قالب مطرح کرد که عمده‌ترین آنها در این بررسی شامل موارد زیر بوده‌اند:

- ۱- استراتژی توسعه منطقه عشایری براساس دامداری (مجتمعهای دامداری)؛
- ۲- استراتژی توسعه منطقه عشایری برپایه کشاورزی؛
- ۳- استراتژی توسعه منطقه عشایری برپایه صنعت؛
- ۴- استراتژی توسعه منطقه عشایری با ساماندهی مناسب برای تداوم کوچ‌نشینی در قلمروهای ایلی که توانمندیهای برجسته طبیعی، همانند مراتع و اراضی مساعد داشته باشند

و بتوان آنها را از لحاظ اقتصادی و اجتماعی زندگی کوچ نشینی، توجیه کرد و کوچندگان نیز تمایل به تداوم آنها داشته باشند. در این قلمروها باید خدمات رسانی مناسب از هر جهت انجام گیرد؛ تا محدودیتی برای نیازهای ضروری وجود نداشته باشد.

۵- سیاست توسعه منطقه عشایری بر محور کشاورزی - دامداری: این استراتژی تلفیقی که از دو بخش کشاورزی و دامداری تشکیل می شود نیز قابل بررسی است، بخصوص اینکه با روی آوری خانوارهای کوچنده به اسکان، و با توجه به سوابق آنان و تجاربی که در زمینه دامداری و کشاورزی دارند، می توان کشاورزی را توصیه، ترویج و حمایت کرد که بر پایه «کشتزارهای دامی» استوار باشد. در کشتزارهای دامی، محصولی کشت می شود که نیازهای علوفه ای دامداران را بتواند تأمین کند و به دلیل آنکه علوفه دام کوچندگان قبلاً از طریق مراتع تأمین می شد، در این روش؛ عشایر اسکان یافته در قالب شهرکهای عشایری، می توانند به کشاورزی (کشت علوفه ای) اشتغال داشته باشند و مجتمعهای دامداری به وجود آورند تا نیاز علوفه ای دام را از طریق کشتزارهای دامی تأمین نمایند. این روش تلفیقی از دو برنامه کشاورزی و دامداری است و می تواند بسیاری از نواقص و محدودیتهایی را که هر یک از دو شیوه به تنهایی داشته اند، رفع نماید. از آن جا که پایه اشتغال در روستا بر کشاورزی و در جامعه عشایری، بر دامداری استوار است، تجربیات هر یک از دو جامعه و تنگناهای به وجود آمده برای آنها خود درسی تازه است؛ زیرا در صورت تلفیق کشاورزی و دامداری در قالب کشتزارهای دامی، امکان درآمدزایی و اشتغال را بهتر از دو جامعه قبلی تأمین نماید، با توجه به اهمیت بخش دامداری و ضرورت ساماندهی مناسب جامعه عشایری این سیاست (برنامه) می تواند موفقیت آمیز باشد.

### پی نوشتها :

- ۱- سکندر امان الهی، کوچ نشینی در ایران، ص ۲۱.
- ۲- مرکز آمار ایران، سرشماری اقتصادی - اجتماعی عشایر کوچنده کشور، ص ۱۶.
- ۳- مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده کشور، سال ۱۳۶۶، ص ۲۶.
- ۴- مطالعات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی و زیربنایی مناطق عشایری (بازفت بختیاری، مسجد سلیمان، شوشتر، جرقویه اصفهان، سمیرم اصفهان و ...)
- ۵- سازمان برنامه و بودجه استان اصفهان، مطالعات توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی



استان اصفهان، گزارش نهم جامعه عشایری و عمران عشایر، ۱۳۷۵، ص ۴۱.  
 ۶- پیوست قانون برنامه پنج ساله دوم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

۷- دبیرخانه شورای عالی عشایر ایران، خط مشی بیست ساله زندگی عشایر ایران.  
 ۸- سازمان امور عشایر ایران، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر.  
 ۹- سازمان امور عشایر ایران، خلاصه مقالات کنفرانس بین المللی عشایر و توسعه، انتشارات عشایری، ۱۳۷۱.  
 ۱۰- عزیز کیاوند، حکومت، سیاست و عشایر، ص ۱۸۱.

### منابع و مأخذ:

- ۱- افشار سیستانی، ایرج: مقدمه‌ای بر ایلها، چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، جلد ۱ و ۲، انتشارات هما، ۱۳۶۶.
- ۲- امان‌الهی، سکندر: کوچ‌نشینی در ایران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.
- ۳- ایلات و عشایر، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲.
- ۴- پرهام، باقر: طرح مسأله ایلات و عشایر از دیدگاه جامعه‌شناسی، آگاه، ۱۳۶۲.
- ۵- سازمان امور عشایر ایران، مجموعه مقالات سمینار استراتژی توسعه زندگی عشایر، انتشارات عشایری، ۱۳۷۰.
- ۶- سازمان امور عشایر ایران، بیانیه و پیامهای کنفرانس بین‌المللی عشایر و توسعه، ۱۳۷۲.
- ۷- صیدایی، سیداسکندر: تحلیلی بر مسکن عشایر اسکان یافته بختیاری، مجموعه مقالات سمینار سیاستهای توسعه مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۷۳.
- ۸- صیدایی، سیداسکندر: ایلات و عشایر استان اصفهان کانونی برای جذب تورسم، اداره کل ارشاد اسلامی استان اصفهان، ۱۳۷۴.
- ۹- غفاری، هیت‌اله: ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد، نشرنی، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۰- فصلنامه عشایری ذخایر انقلاب، شورای عالی عشایر ایران، جلد‌های ۱ تا ۱۹، ۷۲-۱۳۶۸.
- ۱۱- کشاورزی، امیر هوشنگ: عشایر و مسأله اسکان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۵۵.

- ۱۲- کیاوند، عزیز: حکومت سیاست و عشایر، انتشارات عشایری، ۱۳۶۸.
- ۱۳- مرکز آمار ایران، سرشماری اجتماعی-اقتصادی عشایر کوچنده، ۱۳۶۶.
- ۱۴- نادری، نادرافشار: اسکان عشایر و آثار اجتماعی و اقتصادی آن، آگاه، ۱۳۶۲.
- ۱۵- ورجاوند، پرویز: روش بررسی شناخت کلی ایلات و عشایر، انتشارات مؤسسه اطلاعات، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی